

تازه‌های فرهنگی از
بخارا، سمرقند و...

● نکته‌ها و تازه‌های بخارا، سمرقند و... / رحیم مسلمانیان قبادیانی

نگته‌ها و تازه‌های

رحیم مسلمانیان قبادیانی

فرهنگی و تاریخی از

دوشنبه، بخارا، سمرقند و... (۸)



۱۰۸

● جنگ داخلی تاجیکستان (۱۹۹۲ - ۱۹۹۷)

● آسترید فن بُرکه، والنّین بوشگف، آشوت مانوچهریان.

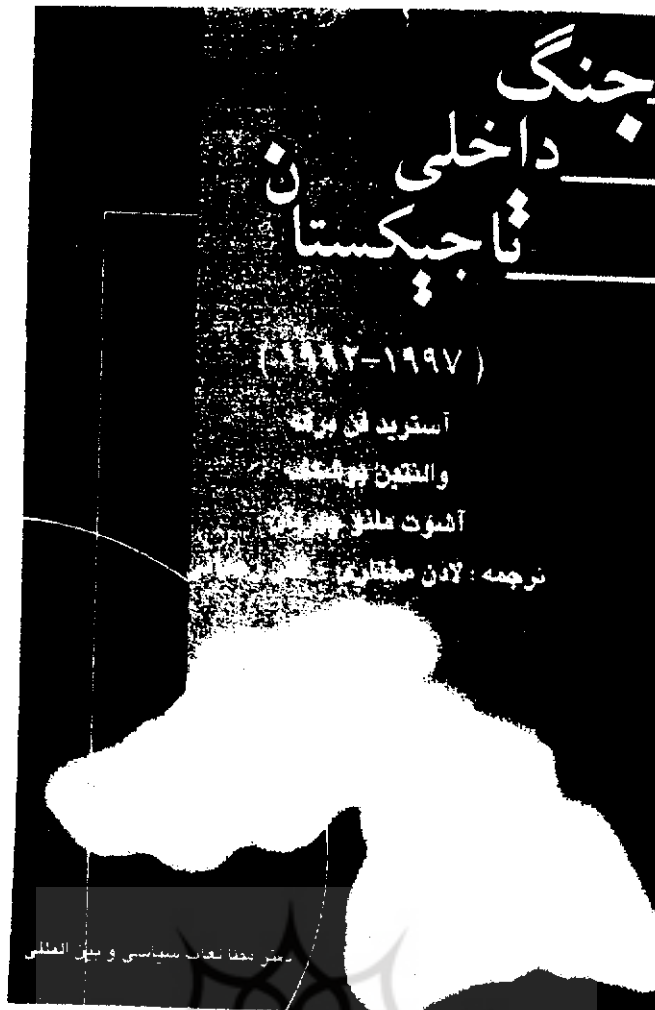
● ترجمه لادن مختاری، علی رحمانی.

این کتاب در تهران به چاپ رسیده است: در واقع، مجموعه‌ای است از شش دفتر که سال‌های ۱۹۹۳ - ۱۹۹۸ در شهرهای کُلن و هامبورگ، به زبان آلمانی به چاپ رسیده‌اند.

مجموعه حاضر با پیشگفتاری از مترجمان (ص ۱۱ - ۱۳)، مقدمه آقای علی رحمانی (ص ۱۵ - ۲۲) و دیباچه وُلّفگانگ فن اِرفا (ص ۲۳ - ۳۲) آغاز می‌یابد.

مترجمان از جمله این نکته را اشاره کرده‌اند که «این جنگ را نباید یک جنگ داخلی دانست، زیرا از سوی روسها و ازبکها به این ملت تحمیل شده است و چه بسا عنوان «جنگ تحمیلی» بر این کتاب برآورده‌تر می‌بود» (ص ۱۳). در واقع اصطلاح «جنگ تحمیلی» - را جناب امامعلی رحمانف، رئیس جمهوری تاجیکستان، نیز به زبان آورده است، چنانچه: «از کثافتی جنگ تحمیل شده، ما برخلاف جمهوری‌های دیگر (...) از تقسیمات مالکیت عمومی بی‌نصیب ماندیم».

آقای علی رحمانی در مقدمه کوتاه و اما پرمحتوای خود توانسته است. تاریخ فاجعه تاجیکان را تا اندازه‌ای دقیق و مرتب به قلم دهد. در واقع، «صلح تاجیکستان آسان به دست



نیامد. روند شش ساله اعتمادسازی (۱۹۹۴ - ۲۰۰۰) زمینه این صلح را فراهم ساخت، و تلاشهای ایران و روسیه موجب تحکیم آن شد»، «صحنه گردان اصلی بحران تاجیکستان، دولت روسیه بود» (ص ۱۹).

دیباچه جناب ولفگانگ فن ارفا که در بهار ۱۹۹۴ م در تاجیکستان و سمرقند حضور داشته است، دیده و برداشت‌های خود را گرم و واقع‌بینانه به قلم داده. از جمله گفته که «تاجیکستان یکی از زیباترین کشورهای جهان است (...). مهماندوستی تاجیکان کلیه ابعاد مهماندوستی شناخته شده اروپا را در هم می‌ریزد. این نوع مهماندوستی، دوست داشتنی و محسوس است (...). آب و هوای تاجیکستان به یقین برای هر اروپایی از غرب یا مرکز اروپا که رؤیای آفتاب را در سر می‌پروراند، ملاحظت و فریبندگی خارق‌العاده‌ای دارد. (...). عسل محلی جنگل، از بهترین انواع آن در سراسر جهان محسوب می‌شود» (ص ۲۵).

مطلب نخستین: «تاجیکستان در آستانه جنگ داخلی» (ص ۳۳ - ۸۰) و آخرین «جنگ داخلی تاجیکستان، مسئله امنیتی منطقه» (۱۹۳ - ۲۳۰) به قلم والتین بوشکف تعلق دارند. این مؤلف مسئله‌های بحران جامعه، اوضاع سیاسی و اجتماعی و قومی، فعالیت نیروهای اجتماعی پیشرو، جایگاه تاجیکستان در منطقه، دولتهای ترک تبار آسیای مرکزی را تا حد امکان و اطلاعات و برداشت خود، بررسی کرده است. نویسنده از جمله می‌گوید که «جامعه تاجیکستان

متأثر از کلیشه‌های ضد ترکی و در نتیجه از یک ستیز است» (ص ۶۱). وی در مورد حق و حقوق ازبک‌های تاجیکستان سخنی گفته است که حقیقتی چندان ندارد: «جمعیت ازبک در تاجیکستان گاه در حقوق خود احساس محدودیت می‌کند» (ص ۶۲). این سخن هم هیچ دلیل ندارد: «وقتی اندیشمندان تاجیک با زنان غیر تاجیک و از تبار آسیای مرکزی ازدواج می‌کنند، از طرف همکارانشان برای طلاق زیر فشار قرار می‌گیرند. نمونه‌هایی از این دست معروف همگان است» (ص ۶۲). بد نبود نویسنده محترم یک مثال می‌آورد.

مؤلف درباره «نامشروعیت مرزهای کنونی» تأکید به عمل آورده، می‌گوید که «فاقد هرگونه مبنای تاریخی، قومی و اقتصادی است» (ص ۱۹۹). آقای بوشکف از تاریخ تاجیکان چندان آگاهی ندارد که می‌گوید: واژه «تاجیک» از خراسان «در زمان لشکرکشی اعراب» به ماوراءالنهر آمده است (ص ۲۰۰). باید اشاره کرد که «تاجیک» را ۲۵۰۰ سال پیش هرودوت در «تاریخ» یاد کرده است، در شکل «دادیک».

این مؤلف، دانسته یا ندانسته، سخنانی گفته که چندان صحیح نیستند، و به جای نزدیکی قوم‌ها، میان آنها تفرقه ایجاد می‌کند، مانند: «در ابتدای اشغال آسیای مرکزی توسط روسیه، سرزمینهای بخش شرقی تاجیکستان شمالی امروز (اشت، کان بادم، اسفیره) به قنات فوقند [خوقند] تعلق داشت و اراضی بخش غربی (اوراتپه) در حقیقت ملک مستقل یوس‌ها (قبیله ترک) بود» (ص ۲۰۰)؛ «دولتداری حقیقی در نزد مردم فارسی زبان تاجیکستان امروز فاقد هرگونه سنت تاریخی است» (ص ۲۰۱)؛ «برق تولیدی از نیروگاه آب نارک، واقع در ناحیه ازبکی سرخان درین و قشقادرین...» (ص ۲۰۶)؛ «تاجیک‌های کوهستان‌نشین تاجیکستان و مردمان فارسی زبان شمال افغانستان ازبک تبارند (... سواحل راست و چپ این رود بزرگ [آمو] مرزی یک منطقه واحد اقتصادی برای دامداران ترک زبان تاجیکستان بود» (ص ۲۰۹). چون مجال تنگ است، با اشاره چندی به اشتباه اکتفاء خواهد شد. نام‌هایی نادرست به قلم آمده‌اند:

آفتاب رویه - آفتابرویا

آمو - آمور

بلجوان - بالجوان

خوقند - فوقند

حصار - غیسار، هیسار

غانچی - غانچا

فلغر - فلغار، فرخار

ماغیان - مغیان

مسچا - مست چاه...



● اسفند ۷۹ - رحیم مسلمانیان قبادیانی - محمدجان شکوراف - علی دهباشی و ملامیرزا احمد

منطقه غُرم در جنوب قلمداد شده (ص ۶۷) که در واقع، شرق است. تور جانزاده را غرمی (ص ۶۵، ۶۷)، دولت عثمان را کولابی (ص ۶۷)، جمشید کریمف را جنوبی (ص ۱۹۷) به قلم داده‌اند که در واقع، متناسباً زرافشانی، غرمی و شمالی هستند. محکمف در شکل «محکومف» آمده است که خوب نیست. «توره» (نه «تورا») میان همه تاجیکان عزیز و مکرم هستند: ایشان‌زاده را «توره» می‌گویند، و اما جناب بوشکف، با چه هدفی، «از نسل تیمور» معرفی کرده است (ص ۵۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

● خالنظر محبت اف. تاجیکستان.

● پاریس: بنیاد رودکی، ۱۹۹۹: ۱۲۴ ص. (به انگلیسی)

دکتر محبت اف از جغرافیاشناسان مشهور و پُرکار معاصر تاجیک بشمار می‌آید که آثارش در تاجیکستان و روسیه و جایهای دیگر، به زبانهای گوناگون چاپ و نشر می‌شوند. و اما این کتاب ایشان در پاریس به چاپ رسیده است.

دکتر مسعود میرشاهری که پیشگفتاری نوشته است، درباره منطقه آسیای مرکزی، جایگاه تاجیکستان، تاریخ تأسیس، قلّه‌های آسمان بوس، مساحت و جمعیت مهم‌ترین اخبار را بدست داده است.

این اثر، در مجموع هفت بخش را در بر داشته، دربارهٔ جمعیت، تاریخ، جغرافیا، اوضاع سیاسی و احوال اقتصادی و محیط فرهنگی اخبار مهم به قلم داده است. از ویژگی‌های ارزشمند دیگر این است که تصویرهای زیبای رنگی، چنانچه پوشاک و کلاه‌های ملی، قلعهٔ اسماعیل سامانی، دریاچه سریز، درمانگاه خواجه آب گرم، دانشگاه خاروغ، مجسمهٔ رودکی در پنجیکت، گنبد‌های خواجه مشهد، خانهٔ نویسندگان، کتابخانهٔ ملی فردوسی، دریاچهٔ نارک، و... جا دارند که بعضی برای نخستین بار معرفی می‌شوند.

● بهمنیار. سرمده (رومان در قصه و حکایت‌ها)

● دوشنبه: دواشتیج، ۲۰۰۲؛ ۳۹۲ ص

بهمنیار در شمار نویسندگان توانمند و مشهور معاصر است. وی در نثر جدید کنونی تاجیک سبک ویژه‌ای را به کمال رساند که همین رمان یکی از مثال‌های برجستهٔ آن است. «سرمده»، در واقع از چند رشته حکایات فراهم آمده که هر رشتهٔ آن با سوژه‌ای پیوند می‌خورد. یعنی از رومانهای معمولی کنونی، با طریق بند و بست، سوژه و گوناگونی قهرمانان متفاوت است.

واقعاتی که نویسنده به قلم داده، و اهدافی که دنبالشان بوده، - همه سازنده و آموزنده هستند.

و اما روی زبان این کتاب تأکیدی جداگانه می‌باید. از ویژگی‌های زبانی و سبکی «سرمده» چنانچه این است که یک واژه گاهی چند پهلوی معنوی پیدا می‌کند و همه در جای خود می‌خورد. همین طور، صنعت ادبی نثر مسجع ماهرانه و شیوا و متین به کار رفته است. به این چند تکه توجه شود.

«رخش وقت چارگامه می‌تاخت. طبیعت نابود می‌کرد و می‌ساخت. زندگی عطا می‌کرد و مرگ باز پس می‌خواست. تقدیر آهنگ تصادف می‌نواخت، و با این تصنیف انسان را به ورتهٔ اشتباه می‌انداخت، در کورهٔ امتحان می‌گذاخت که از آن آدم گاهی می‌بُرد و گاهی می‌باخت. و اینک، قصهٔ یک تصادف» (ص ۲۰).

پاره‌ای دیگر ۶

«بیکناش ولدِ تیمورتاش، مسافر را گفت:

- مرا نشناختی؟

مسافر گفت:

گفت:

– من بیكتاش ولد تیمور تاشم.

مسافر گفت:

– غیر از دو من سنگ، نامت چیزی به من نمی‌گوید.

بیكتاش گفت:

– من میر این ولایتم.

مسافر گفت:

– من میر دو ولایتم!

بیكتاش گفت:

– کدام ولایت؟

مسافر گفت:

– ولایت رؤیا و ولایت آرزو» (ص ۴۳ – ۴۴).

و حسن مقطع کتاب. این غزل موشح بوده است، به نام نویسنده:

برفِ بهمن آب شد، خورشید فروردین، بیا!

اشک ما رازه ببند، ای خنده‌نوشین، بیا!

حورِ افلاکی و، ناجا در زمینت جُسته‌ام،

مغز مغرم تیره، چون شبهاست، ای پروین، بیا!

از بهارِ آرزوها آفریدم من تو را،

نام تو بگرفتم از بابونه و نسرین، بیا!

یار، ای یاری که در پندارها می‌نازمت،

روح ما را کرده‌اند اندر فلک کابین، بیا!

(ص ۳۸۹)

● اسروشنه. نادر کریمیان سردشتی

● تاریخ، جغرافیای تاریخی و کرونولوژی

● تهران – دوشنبه، ۱۳۸۱/۲۰۰۲: ۱۷۶ ص

یکی از فیض‌های سازنده استقلال کشورهای سابق شوروی، این است که پژوهشگران به تاریخ پیشین سرزمین بیشتر و جدی‌تر متوجه شدند. این نکته شایسته تأکیدی جداگانه است که اکنون دانشمندانی دلسوز از بیرون هم به این موضوع روی آورده‌اند. یکی از نمونه‌هایش همین



● ضیاء عبدالله از نویسندگان تاجیکستان

کتاب آقای نادر کریمیان سردشتی است.

اسروشنه - از شهرهای باستانی تاجیکستان بشمار می آید که به مناسبت دو هزار و پانصدمین سالش، پارسال جشنی با شکوه برگزار گردید. نویسنده پیشگفتار آقای میرشکرائی سخن خود را چنین آغاز کرده: «نزدیک به یک سده، حوادث سیاسی دوران معاصر، در پهنه گسترده سرزمین های ایران بزرگ فرهنگی، ملت های ایرانی را از یکدیگر دور نگاه داشته بود. اگرچه این دوری هرگز نتوانست رشته های فراوان پیوندهای فرهنگی مردمان این سرزمین ها را از هم بگسلد» (ص ۷).

نویسنده کتاب هم سخن خود را گرم و راست و درست آغاز می کند: «سرزمین بزرگ و تاریخی اسروشنه از دیر باز دارای مجد و عظمت ویژه ای بوده، و به سبب تاریخ پُر از حوادث و رویدادهای پُر غوغا که از روزگار بستان، یعنی از دوره ای که اسروشنه تولد شهری یافت، تا به امروز از این فراز و نشیب ها و کشمکشها و غوغاها و وقایع و حوادث برکنار نمانده، و روزگاری بس آباد و درخشان، و روزگاری نابسامان و ویرانه در کشاکش این دو سیر تاریخی واقع بوده است» (ص ۹).

درونمایه کتاب را از فهرست آن می توان شناخت: نام اسروشنه، جغرافیای اسروشنه، راههای اسروشنه، نوهها و معادن و بیابانهای اسروشنه، ولایت و اقلیم اسروشنه، مشاهیر

منسوب به اسروشنه، شهرها و روستاهای اسروشنه، اسروشنه از دورهٔ هخامنشی تا اواخر دورهٔ ساسانی، اسروشنه در دورهٔ اسلامی، اوراتیپه جانشین اسروشنه، نگاهی کوتاه به اوراتیپه امروزی، زندگی‌نامهٔ ابوبکر شبلی.

آن گونه که از کتابنامه بر می‌آید، برای تألیف «اسروشنه» بیش از شصت عنوان آثار تاریخی و جغرافیایی پیشین و معاصر فرهنگ‌نامه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. جز از این، بیش از بیست عنوان تحقیقات دانشمندان تاجیک و روس، در رابطه با اسروشنه، به عنوان زمینه، در تألیف این کتاب به کار رفته است.

● لاله‌ستان، ضیاء عبدالله، سه داستان

● دوشنبه، ۲۰۰۲، ۴۸ ص

کتابی تازه از شاعر توانا و ملی تاجیک ضیاء عبدالله، در تاجیکستان چاپ و نشر گردید که سه داستان نوین او را در بر دارد.

۱ - در حاشیة مخمس «زیر تیغ» عبدالرحمن مشفق (ص ۳ - ۲۰).

۲ - لاله‌ستان (ص ۲۱ - ۳۵).

۳ - تجاوز نور (ص ۳۶ - ۴۶).

این آثار که در سال‌های ۱۹۸۴ م - ۱۹۹۷ م تألیف یافته‌اند، هم از نگاه درون‌مایه جالب است، هم از نگاه شکل و قالب. شاعر از وضع نابسامان کشور سخن می‌راند، سخنی شاعرانه.

تهران، مرداد ۸۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی